

جهانگیر عباسی

آیا درختان و گیاهان و دیگر رویش‌های محدوده‌ی کمربند سبز فارس دست‌نخورده باقی می‌ماند؟

متأسفانه خیر.

ابتدا به دلایل ذیل درختان و گیاهان و دیگر رویش‌ها در طبیعت کم یا نابود می‌شوند،

(الف) خشکسالی‌های پی‌درپی

(ب) قطع کردن یا کندن و ضایع کردن

بی‌رویه کلیه رویش‌ها در طبیعت

(پ) تخریب‌های بی‌رویه و غیرمتمعارف-

آتش‌سوزی‌های ظالمانه چه عمدی چه سهوی

(ث) وزیدن بادهای شدید و طوفان‌های

سهمگین

(ج) خشکته شدن شاخه‌ها، نابود شدن بوته‌ها،

نی‌زارها علف‌ها در اثر بادهای شدید چ- ضایع

شدن مراتع به علت چراهای بیش‌ازحد مجاز

(ح) نابود کردن میوه با دانه‌ها و بذر قابل توجه

مستولان امر به‌طور مثال به تجربه به چشم خود

دیده‌ایم که منطقه و محیطی به علت اینکه

تعداد گله‌های گوسفند یا دیگر احشام اهلی

گاو، شتر، اسب، الاغ و قاطر برای چرانیدن

در جنگل‌ها و مراتع می‌آورند به‌یک‌باره پس

از چرانیدن کلیه روئیدنی‌ها باقی‌مانده آن‌ها

را هم در زیر سم یا دست‌وپاشان له و نابود

می‌کنند.

درنهایت به‌هیچ‌وجه درختی بوته‌ای و گیاهی

جایگزین رویش‌ها کاشت نشده و نه می‌شود

اگر مسئولان امر تصمیم عاقلانه‌ای بگیرند.

امکان دارد انواع درختان و دیگر رویش‌ها

آیا کمربند سبز فارس دست‌نخورده باقی‌می‌ماند؟

شمال گره بالاده (چره)، فامور، کوهمره

جروق، کوه دیشک، باغستان‌های عشاشر

جروق، کوه‌های هاله و گاله سیاه دارنگون

غرب و جنوب شهرستان کوار بلوک خفر،

شمال و شرق فراشبند، فیروزآباد، مهد

تمدن کهن، میمند، سیمکان، مبارک‌آباد،

شمال و شرق قیروکازین، جنوب و شرق

شهرستان‌های جهرم، منصورآباد، زرین‌دشت،

داراب است.

از دوران گذشته تا به‌حال از آغازین فصل

گرما تا آبان ماه هر سال که بوته‌ها، علف‌زارها

و نی‌زارها خشک می‌شوند.

بلغور با وزیدن بادهای شدید و اصطکاک

شاخ و برگ‌های خشک با قله‌سنگ‌های داغ

و ش‌های آتش‌زا یا به علت بی‌احتیاطی‌های

عمدی و سهوی توسط افراد کم‌تجربه، لایالی

بی‌تفاوت، یا مغرضان و مخالفان آتش‌سوزی

رخ می‌دهد.

روی‌هم‌رفته به علت آتش‌سوزی‌های

نامتعارف و تخریب‌های جورواجور و

زیادشدن گله گوسفندان بیش‌ازحد مجاز

پروانه با خشک‌سالی‌های پی‌درپی و چراهای

بی‌رویه روزبه‌روز از حیات وسعت سبز

طبیعت کاسته می‌شود؛ علاوه بر آتش‌سوزی

دوران گذشته من‌باب مثال در تابستان از

ابتدای فصل تا پاییز سال ۱۳۹۶ در محدوده

باشت، نورآباد، کوهمره نودان سمغان،

ارژن، کوهمره سرخی، منطقه فیروزآباد،

جهرم و دیگر روستاها آتش‌سوزی بی‌مورد

و مخرب ظالمانه رخ داد در کل سرجمع

ضایعات درختان و دیگر رویش‌های طبیعی

که دچار حریق شدند.

همچنان در بعضی مناطق هم به علت

صعب‌العبور و سوق‌الجیشی بودن اطفای

حریق به‌آسانی امکان‌پذیر نیست و نخواهد

بود و از طرفی کاشت و جایگزین کردن

آن‌ها هم به‌آسانی میسر نیست و نخواهد بود

تنها با یک روش می‌شود جبران کرد، پیش

از هر اتفاقی همه انسانیت خود را بکار بندیم

با اصول مراقبت، مواظبت، علاقه‌مندی،

دلسوزی از طبیعت محافظت نماییم و لاغیر.

۲. در فراخور هر منطقه با نزول برف

و باران و نفوذ نم و رطوبت در گسل‌ها

و ترک‌خوردگی‌های کوه‌ها، صخره‌ها،

تخته‌سنگ‌ها، دخمه‌ها، قله‌ها، در پستی‌ها و

بلندی‌ها، گودال‌ها چین‌وچروک رشته کوه‌ها

درنهایت چشمه‌سارها و چشمه‌ها ظاهر و آب

از مظهرشان جاری می‌شود.

بعد با تابش نور خورشید و بالا رفتن دمای

همواره در مناطق مختلف به امر پروردگار

آفرینش‌ها پس از باریدن برف و باران

انواع میوه درختان جنگلی طبیعی و دیگر

روئیدنی‌های رنگارنگ از بهمن و اسفندماه تا

پایان فصل بهار که در زیر برگ‌ها و داخل

خاک‌ها رفته باشند سبز می‌شوند.

اگر دست‌خوش تغییرات جوی و در مسیر

گذرهای بی‌رویه انسان‌ها مخصوصاً گله‌های

دام و احشام و حیوانات وحشی یا آتش‌سوزی

عمدی و سهوی قرار نگیرند خیلی از آن‌ها

پس از سبز شدن بعد از گذشت چند سال رشد

می‌نمایند، قطور می‌شوند.

سپس خیلی از آن‌ها سال‌های سال عمر

طولانی دارند؛ اگر آتش‌سوزی عمدی یا

سهوی رخ ندهد گاه‌آدها یا صدها هکتار از

مناطق جنگلی و مرتعی به‌طورکلی می‌سوزد؛

به‌این‌علت قطعاً در مدت کوتاهی منطقه‌ای

از طبیعت سبز جنگلی بارزش این بسته‌زبان

گران‌بها در مقابل چشمانمان خزان و نابود

می‌شود.

بعد به تلی از دود و آتش به خاکستر

مبدل می‌شوند تا جایی که هر جنبه‌ای‌ای

نمی‌تواند پرواز کند از آن محدوده فرار کند؛

به‌طورکلی می‌سوزد یا نیست و نابود می‌گردد

در خیلی از مناطق هم به علت بی‌احتیاطی،

لایالی افراد، عدم دلسوزی، غرض‌ورزی‌های

ناهنجار انسانی، طایفه‌ای، قبیله‌ای، فردی به

علت اختلافات فی‌مابین خانوادگی یا حدود

ملکی و مراتعی در منطقه اکثراً توسط

انسان‌های متکبر، نااهل، نادان، شیطان‌صفت،

قسی‌القلب، مغرض جنگل‌های انبوه مراتعی‌ها

بوته‌زارها، چراگاه‌ها را به آتش کشیده یا

قطع و نابود می‌کنند.

درنهایت پس از واقعه‌های تلخ و ناگوار

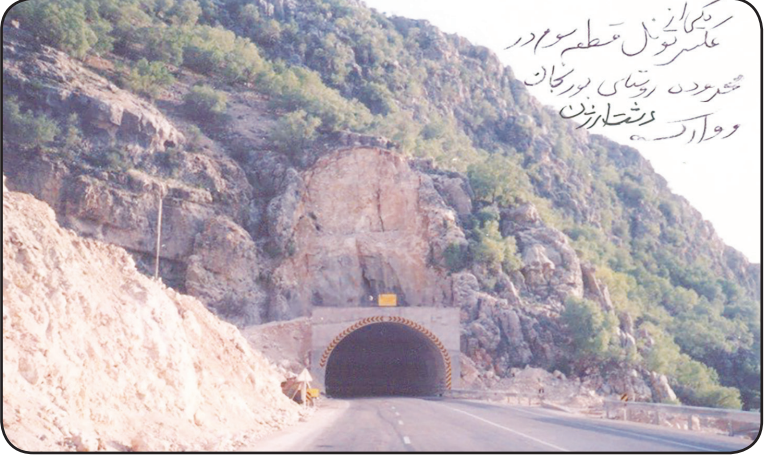
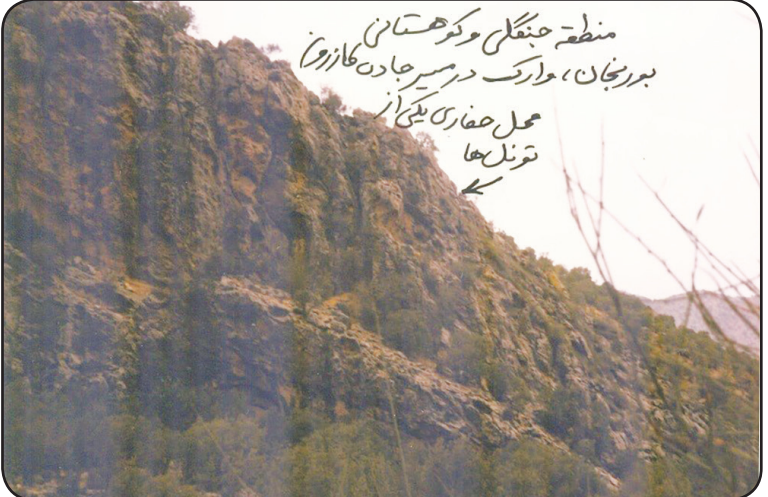
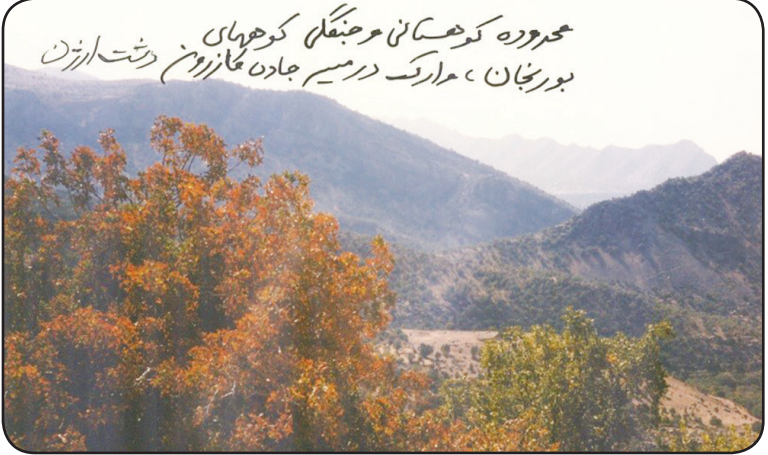
آتش‌سوزی تخریب نمودن، قطع کردن

و سوزاندن درختان، مراتع، بوته‌زارها و



آیا به فکرتان خطور کرده که چرا سنگ و خاک و شن ریزه‌های این محدوده سیاه است قطعاً حاصل عمل کرد ناهنجاری، بی‌احتیاطی، دشمنی و غرض‌ورزی انسان‌های نادان و جاهل دربه‌در آتش کشیدن مناطق بوده و است.

در پایان همان‌طوری که در شرح مطلب همه وظیفه داریم که طبیعت و محیط‌زیست را در جهان پاک و سالم نگهداریم می‌طلبد که روزی همه به حد فهم و کمال انسانی برسیم و در فکر نسل‌های آینده‌مان باشیم با دلسوزی، علاقه‌مندی مواظبت و خلوص نیت فی‌مابین و اخوت برادری و خواهری دست‌به‌دست هم بدهیم به‌جای خرابی، نابودی، تخریب بی‌رویه دست‌ساز آتش‌سوزی عمدی و سهوی برادریم طبیعت و محیط‌زیست را سالم و زنده نگه داریم کنیم.



شهادای غریب

پاسدار شهید حجت باقری



می‌دهد و اگر می‌خواهیم خود را محک بزینم باید ببینیم چقدر پیروی از ولایت داریم. روحشان شاد راهشان پر رهرو روابط عمومی و تبلیغات تیپ تکاور امام سجاد (ع) کازرون



اقدامات برجسته: حضور در مناطق عملیاتی شمال غرب، ۲ مرتبه حضور در مأموریت سوریه یگان اعزام کننده: تیپ تکاور امام سجاد (ع) نرسا، شهرستان کازرون شرح زندگی شهید: شهید باقری در یکم خرداد ۱۳۶۴ در خانواده‌ای مذهبی و انقلابی متولد شد و پس از طی کردن دوران کودکی و گذراندن دوره‌های تحصیلی به دلیل عشق و علاقه فراوان به اسلام، انقلاب و رهبری در سال ۱۳۸۴ وارد دانشگاه امام حسین (ع) سپاه پاسداران گردید و پس از گذراندن دوره‌های آموزشی در سال ۱۳۸۷ به تیپ ۳۳ المهدی جهرم معرفی و در سال ۱۳۹۰ به تیپ تکاور امام سجاد (ع) کازرون منتقل شدند.

وی در تاریخ ۱۳۹۳/۰۱/۳۱ با خانواده شهید قاسم قاسمی وصلت نمود؛ اما جهاد فی سبیل‌الله و دفاع از سرزمین مقدس جمهوری اسلامی او را راهی منطقه شمال غرب کشور کرد و بعد از ماه‌ها خدمت در کوه‌های سر به فلک کشیده مرزهای شمال غرب کشور، برای اولین بار در آذرماه ۱۳۹۴ در مأموریت سوریه و دفاع از حرم آل الله شرکت و برای بار دوم به همراه تیپ تکاور کازرون به منطقه اعزام و در تاریخ ۹۴/۱۱/۱۳ به درجه رفیع شهادت نائل آمد.

خلاصه‌ای از وصیت‌نامه شهید: خط ولایت خطی است که مسیر درست و روشن را به ما نشان

نام پدر: محمدحسن تاریخ تولد: ۱۳۶۴/۰۳/۰۱ محل تولد: فراشبند تعداد فرزندان: فاقد فرزند تاریخ شهادت: ۱۳۹۴/۱۱/۱۳ محل شهادت: سوریه، حلب، حردتین نحوه شهادت: درگیری با تکفیری‌ها محل دفن: گلزار شهدا فراشبند تاریخ استخدام: ۱۳۸۴/۰۷/۰۵ مسئولیت: فرمانده گروهان گردان تکاور حضرت زهرا (س)



مبالغ تعیین می‌کنند و فرد در معرض

آسیب‌ها دیده منت می‌پذیرد

علی حاتمى



زندگی محروم انگاشت و در جایگاه مسئولین! این‌گونه وجدان خود را آرام نمود و چشم‌پوشی کرد که بیماران اعتیاد، محصول و معلول همین جامعه هستند؟! یا بیماران بی‌بضاعت به جرم تنگدستی به‌سختی بتوانند به خدمات درمانی دست یابند. به نظر می‌رسد که لااقل در برخی زمینه‌ها انسانیت و اخلاق را فرونهادیم و باید کارهای زیادی صورت پذیرد و افراد جامعه به‌اندازه و نسبت جایگاه و مقامشان، مسئولیت بیشتری در این زمینه دارند!

خانواده‌ای که در میان برف و یخ‌ها فرومانده بودند باید منتون اقبالشان باشند که در آن موقعیت تلفن همراهشان خط می‌داد و نیز در جاده‌ای فرعی و دورافتاده نبودند و شاید مهم‌تر از همه در جامعه‌ای چنین سرمایه‌گرا

و به‌اصطلاح پشت‌میزنشیشان بیشتر از نیروهای اجرایی‌شان هست و همان تعداد اندک نیروهای به‌دردبخور و فعال هم در محل حادثه‌ای دیگر مشغول... نمی‌خواهم یکسره ناسپاس فعالیت و زحمات تمامی نیروهای ارزشمند امدادی باشم، اما فکر می‌کنم باید کمیت و کیفیت نیروهای سازمان‌های امدادی بهبود یابد و این‌گونه ارگان‌ها جایک‌تر شوند.

فردی که در یک جامعه زندگی می‌کند و مالیات می‌پردازد حق دارد متوقع باشد. زمانی که به مشکلی برمی‌خورد به‌موقع به فریادش بشتایند که ناچار نباشد از بخش خصوصی کمک بخواهد و آن‌ها هم بعضاً با تأخیر چندساعته و با بهایی گزاف فرایرسند و تأکید و تأکید در مسیر که اگر از جایی دیگر به درخواست شما به یاری‌تان آمدند جریمه کنسلی اخذ می‌گردند.

البته که در آن شرایط ناچاری، نیروی امدادی بخش خصوصی، هر چه کارشان ببرد و به نسبت وجدان و انصافشان، مبلغ تعیین می‌کنند و فرد در معرض آسیب، با دیده منت می‌پذیرد و می‌پردازد! اما اگر تهی‌دست باشد چه؟! آیا کارتن‌خواب‌هایی که در گوشه و کنار شهر بعضاً در سرما یخ می‌زنند را می‌توان به جرم اعتیادشان از حق داشتن سرپناه موقت! گرم و حق

در سال‌های اخیر شخصیتی دوست‌داشتنی به عروسک‌های برنامه کلاه قرمزی اضافه شده است، به نام «بخشید شما» که بشقابی در دست دارد و به‌ظاهر آماده خدمت اما هنگامی که یکی از شخصیت‌های دیگر از او درخواست نوشیدنی می‌کند؛ آن‌قدر سؤال‌های پی‌درپی و بی‌ربط ازجمله رنگ و جنس لیوان و... از او می‌پرسد که طرف مقابل از رو می‌رود و قید آب یا شربت را می‌زند و او هم ازخداخواسته و ازخودراضی تعارفی صوری می‌کند و از کادر خارج می‌شود... این قصه شیرین و طنزآمیز برنامه کلاه قرمزی در عالم واقع می‌تواند دردناک و فاجعه‌بار باشد؛ آنگاه که مثلاً فرد یا افرادی گرفتار مشکل حادی شده باشند و چشم یاری به‌سوی سازمان و نیروهای امدادی داشته باشند که ماشاءالله تعدادشان هم در جامعه ما کم نیست و گاهی با هم‌پوشانی وظایف دارند.

تصور کنید بعد از سال‌ها هرگز، برفی بیارد و اتموبیل خانواده‌ای در میان برف‌های جاده از حرکت بازایستد و با یکی از این مجموعه‌ها به‌سختی تماسی برقرار شود و آن‌وقت اپراتور پاسخگوی خودکار آن‌ها از تو سؤالاتی بپرسد و تو پس از چند پاسخ عطا به نقیاشان بی‌تجربى و باز مجموعه‌ای دیگر که انگار ظاهراً نیروهای ستادی